گفت‌وگو با کارشناس بیمه‌ای که نخواست نامش فاش شود

بیمه باغ‌های پسته در ایران

تاریخچه بیمه باغ‌های پسته در ایران

بیمه باغ‌های پسته در اوایل دهه ۶۰ شمسی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و قانون‌گذاری شد. این بیمه در منطقه استان کرمان در سال ۷۹ کلید خورد، ولی در سطح خیلی کم، به‌طوری که در تمام استان زیر هزار هکتار باغ زیر پوشش بیمه رفت و کلیه کارها در رابطه با بیمه‌گری و ارزیابی را کارشناس شعبه بانک کشاورزی انجام می‌داد؛ دیگر هیچ‌کسی در هیچ رابطه‌ای دخیل نبود. این کار در سال‌های ۷۹، ۸۰ و ۸۱ به همین روال ادامه داشت تا اینکه در سال ۸۲ صندوق بیمه در بانک کشاورزی برای خودش یک عاملیت پیداکرد؛ مستقل نشد، ولی عاملیت پیدا کرد که دفتر کارش جدا شود، کارگزار بگیرد و با بیمه‌گر و ارزیاب شروع به کار کند.

از سال ۸۲ که این بیمه شروع به کار کرد یک عمومیت در بین کشاورزها پیداکرد، خصوصاً برای تمام محصولات کشاورزی علی‌الخصوص پسته با استقبال بسیار بالایی روبه‌رو شد. دلیلش هم این بود که از حق بیمه پرداختی ۱۰ درصد را کشاورز پرداخت می‌کرد و ۹۰ درصد بقیه را کمک دولت پشتش بود. همین روال ادامه داشت و با توجه به حق بیمه پرداختی که کشاورز در رابطه با خسارت داشت، یک کمک در رابطه با هزینه تولید به کشاورز انجام می‌شد. ولی با گذشت این شانزده سال نقش دولت در پرداخت حق بیمه در رابطه با هزینه تولید سال به سال کمرنگ‌تر شد. در حال حاضر سهم دولت در پرداخت حق بیمه بین ۳۰ تا ۳۵ درصد شده و فشار بار حق بیمه روی کشاورز بالاتر رفته‌است.

در سال‌های اول باتوجه به شرایطی که وجود داشت دو نمونه بیمه انجام می‌شد یکی بیمه عمومی و دیگری بیمه تکمیلی. کشاورز برای یک باغ خودش فقط از بیمه عمومی و یا فقط از بیمه‌نامه تکمیلی می توانست استفاده کند. بیمه عمومی عوامل خطر تحت پوشش کمتری نسبت به بیمه تکمیلی شامل می‌شد. در رابطه با بیمه عمومی، زلزله، سرما و یخبندان، طوفان و بارندگی‌های بی‌موقع در زمان تلقیح جزو عوامل اصلی بود و علاوه بر عوامل تحت پوشش بیمه عمومی عوامل عدم تأمین نیاز سرمایی، نوسانات دمایی و گرمازدگی میوه مربوط به بیمه تکمیلی نیز شامل خسارت می‌شد. این روال تا سال‌های ۹۲، ۹۳ ادامه داشت.

لازم به ذکر است که در سال ۸۹ یک سامانه جامع بیمه از طریق صندوق بیمه کشاورزی راه اندازی شد. این سامانه جامع به گونه‌ای بود که تمام اطلاعات کشاورز در آن ثبت می‌شد، نقشه باغات و اسم باغ مشخص بود. بنابراین، ما از سال ۸۹ تا به امروز می‌توانیم سابقه کشاورز را با یک کد ملی دربیاوریم و بدانیم ایشان در هر سال چه مقدار از سطح بیمه بوده و پرداختی و دریافتی‌اش چقدر بوده‌است. بیمه عمومی و بیمه تکمیلی تا سال ۹۲، ۹۳ ادامه داشت و از سال زراعی ۹۳-۹۴ به بعد بیمه باغات پسته بر اساس بیمه پایه و بیمه الحاقی اجرا شد؛ یعنی وقتی خسارت انجام می‌شد، کارشناس‌ها بازدید می‌کردند و غرامتی در رابطه با بیمه تکمیلی منهای پوشش و سپس پرداخت می‌شد، اما تا ۲۰ درصد خسارت برعهده کشاورز بود. در سال ۹۵ منهای پوشش، منهای ۲۰ بود؛ یعنی اگر کشاورز متحمل ۶۰ درصد خسارت شده بود، منهای ۲۰ می‌شد و چهل درصدش پرداخت می‌شد. از سال ۹۷-۹۸ بخش پوششی برداشته‌شده، ولی پوششی تا سال ماقبلش اعمال و اجرا شد.

در گذشته می‌گفتند با توجه به شرایطی که داریم خسارت تا ۲۰ درصد به عهده بیمه‌گذار است، ولی از ۲۰ درصد به بالا را بیمه پرداخت می‌کرد! یعنی اگر کشاورزی ۱۰۰ درصد هم خسارت می‌خورد منهای ۲۰ می‌شد و ۸۰ درصد خسارت پرداخت می‌شد؛ در حالی که تعرفه بر اساس ۱۰۰ درصد خسارت گرفته شده‌بود. با توجه به شرایط و مشکلاتی که ما در بخش تولید پسته داریم، بیمه کشاورزی طبق روال در ۱۶ سال گذشته، هر سال خسارت به کشاورز پرداخت کرده‌است.

از معضلات بیمه کشاورزی این بوده‌است که اولاً سیستمی دولتی بوده و ثانیاً هر سال به کشاورز خسارت پرداخت کرده‌است! اگر در سال‌هایی که خسارت خیلی پایینی رخ داده و در حد ناچیز بوده به کشاورز پولی پرداخت نمی‌شد و این فرهنگ جا افتاده بود، شاید بیمه کشاورزی در سال‌هایی که بیشترین خسارت وجود داشت، می توانست یک مقداری از هزینه واقعی خسارت را پرداخت کند. توجیه بیمه کشاورزی این است که می‌گوید من هزینه تولید محصول را پرداخت می‌کنم. امسال بیمه تکمیلی (۱) تعرفه‌هایش بالا است و پرداخت خسارتش هم واقعی است، ولی کشاورزان خیلی استقبال نکردند. در بیمه‌نامه پتانسیل تولید گزینه یک ۳۰۰



کیلوگرم است، گزینه دو ۵۰۰ کیلوگرم، گزینه سه ۸۰۰ کیلوگرم، گزینه چهار ۱۰۰۰ کیلوگرم، گزینه پنج ۱۲۰۰ و گزینه شش ۱۵۰۰ کیلوگرم است و مبنای محاسبه هم هزینه تولید برای هر گزینه است که انجام می‌شود و خسارتش پرداخت می‌کنند.

در سه سال گذشته با توجه به شرایط و سختگیری‌های انجام شده باید حتماً خسارتی حادث شده‌باشد تا ما بتوانیم تأییدیه و مجوز پرداخت خسارت را بگیریم و این‌طور نیست که هم به خسارت خورده و هم خسارت نخورده بیمه پرداخت داشته‌باشد! بر اساس آمار دریافتی هواشناسی حتماً باید آن عواملی که ما داریم در زمان فنولوژی گیاه حادث شده‌باشد.

روند تعیین خسارت

بیمه‌گری معمولاً از ۳۰ مهرماه با پایان بیمه‌نامه سال قبل شروع می‌شود؛ یعنی از اول آبان شروع می‌شود و تا اول دی ماه ادامه دارد. ولی طبق روالی که بین کشاورزها وجود دارد، معمولاً بیمه کردن را از ۱۵ آذر شروع می‌کنند و تا ۱۵ بهمن ماه ادامه دارد و بیمه‌نامه تمدید می‌شود. تا سه سال قبل بیمه‌گر می‌بایست بازدید انجام دهد تا میزان پتانسیل تولید باغ مدنظر را نسبت به هکتارش بگیرد و سپس گزینه مربوطه را مشخص کند؛ به‌عنوان مثال، کارشناس پتانسیل تولید را هزار کیلو تعیین می‌کرد و می‌گفت باغ شما در حد گزینه چهار است و کشاورز از گزینه چهار به بالا را دیگر نمی‌توانست بیمه کند. ولی این اختیاری بود و با یک توضیح کارشناس بیمه‌گر می‌توانست به درخواست کشاورز گزینه کمتری را انتخاب کند.

از سه سال گذشته تا امروز بیمه‌نامه به‌صورت خود اظهاری شده‌است. مثلاً کشاورز مراجعه می‌کند و می‌گوید من ۳ هکتار باغ دارم که در دو قطعه است و حدود اربعه باغ را اعلام می‌کند و گزینه مورد نظرش را از نظر پتانسیل تولید انتخاب می‌کند. گزینه‌ها از ۱ تا ٦ هستند و از ۳۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلوگرم را پوشش می‌دهند و کشاورز بر این اساس حق بیمه را پرداخت می‌کند. پس از اتمام بیمه‌گری کار ارزیابی شروع می‌شود. در حال حاضر ارزیابی بر دو مبنا شده‌است؛ یکی پایش و فنولوژی و دوم بر اساس پیوست فنی.

در بحث پایش و فنولوژی، روند چرخه گیاه از زمانی که درخت خواب است و بعد که تورم جوانه پیدا می‌کند شروع می‌شود و به شش مرحله تقسیم می‌گردد؛ یکی مرحله جوانه، دوم مرحله گلدهی، سوم مرحله رشد رویشی، چهارم مرحله رشد میوه، پنجم مرحله برداشت، ششم مرحله پس از برداشت. کارشناسی که به عنوان پایشگر انتخاب می‌شود و شروع به کار می‌کند باید از زمانی که درخت هنوز در خواب کامل است کارش را شروع کند و تا روز پس از برداشت که برگ درخت ریزش می‌کند باغ را پایش نماید.

پایش بر اساس ٤ درصد از منطقه همگن است که مرز هر منطقه همگن بر اساس میزان هر دهستان انتخاب می‌شود؛ مثلاً برای منطقه انار سه بخش وجوددارد: بیاض، مرکزی و قسمت حسین آباد است؛ همگن‌هایش را انتخاب می‌کنند و کارهایش را انجام می‌دهند.

٤ درصد که هم از نظر سطح و هم از نظر تعداد باغ میانگین آن منطقه باشد؛ مثلاً اگر ۵۰۰ قطعه با ۱۰۰۰ هکتار باغ وجودداشته‌باشد ما باید ٤۰ هکتار با بیست قطعه را انتخاب کنیم که این شش مرحله پایش بر اساس زمانبندی انجام می‌شود. در نمونه‌گیری‌ها از باغ، برای زیر یک هکتار سه نمونه از باغ گرفته می‌شود؛ دو هکتار، پنج نمونه از دو تا هشت هکتار، هشت نمونه و از هشت هکتار به بالا هم به ازای هر هکتار یک نمونه اضافه می‌شود.

روال قدیم در چهار سال گذشته به این‌صورت نبود و هر باغی به‌طور مجزا بازدید می‌شد و درصد خسارت و سوء مدیریتش اعمال می‌شد و به این کار بازدید ارزیابی انفرادی می‌گفتند، ولی در حال حاضر بازدید ارزیابی بر اساس مناطق همگن اعمال می‌شود.

اگر یک باغ وجودداشته باشد که با مناطق همگن دیگر اختلاف سطح داشته باشد یا کشاورزش هر سال در رابطه با بیمه حساسیت دارد، این باغ بر اساس موردی پایش می‌شود و در زمان برداشت کیل‌گیری می‌شود و بر اساس همان درصد خسارتی که جداگانه از منطقه درمی‌آید به او پرداخت می‌شود. باغ‌های بالا ۲۰ هکتار هم جداجدا پلاک‌گذاری، نمونه‌گیری و کیل‌گیری می‌شوند و در صورت خسارت درصدشان پرداخت می‌شود.

در رابطه با پیوست فنی، مناطق تقسیم‌بندی می‌شوند و به کارشناسان داده می‌شود. در پیوست فنی تعیین و تشخیص چهار مورد بسیار مهم است: ۱- مساحت باغ و حدود اربعه؛ ۲- مالکیت؛ ۳- پتانسیل تولید؛ ٤- سوء مدیریت.

این کارها تا سه سال قبل توسط بیمه‌گر انجام می‌شد، الان در تابستان توسط کارشناس فنی انجام می‌شود. سوء مدیریت آیتم‌های مختلفی دارد و بر اساس ۷ آیتم است که آیتم‌های مهم و اصلی آن بر اساس آب آبیاری،



تغذیه، بهزراعی، مدیریت آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز و مدیریت کف باغ اعمال می‌شود که معمولاً سوء مدیریت را حداکثر تا ۳۰ درصد می‌توانیم اعمال کنیم که پرداخت نشود! البته خسارت پرداختی نسبت به هزینه‌های واقعی تولید هزینه بالایی نیست.

حق بیمه و پرداخت خسارت

یک مشکل اساسی که ما با آن مواجه هستیم این است که برای هر باغ بعضی از عوامل خسارت را به‌صورت تکی نداریم تا بیمه‌شونده بتواند برای خودش آیتم انتخاب کند.

در حال‌حاضر، عوامل خسارت تحت پوشش در بیمه پایه شامل حوادث فاجعه‌آمیز می‌شود. حوادث فاجعه‌آمیز آنهایی هستند که یک عامل خسارت به تنهایی باعث خسارت تا ۷۰ درصد در کل شهرستان شود. بیمه تکمیلی در حاضر تمامی آیتم‌های عامل خسارت از جمله: سیل، زلزله، طوفان، تگرگ، باران‌های بی‌موقع زمان تلقیح، گرمای زمان تلقیح، نوسانات دمایی، عدم تأمین نیاز سرمایی و گرمازدگی میوه می‌شود.

در رابطه با میوه‌های سیاه ریشه و سردرختی‌ها مثل بادام، بیمه‌نامه تک خطر و یک بیمه نامه الحاقی وجود دارد. در بیمه نامه تک خطره فقط در رابطه با بادام که مثال می‌زنم تنها عامل سرمازدگی در آن لحاظ می‌شود.

در مورد پرداخت خسارت، اگر یک باغ یک هکتاری ۱۰۰ درصد آسیب دیده‌باشد و باغدار گزینه ٦ را انتخاب کرده‌باشد و آن خسارت ۱۰۰ درصدی در منطقه همگن عمومیت داشته‌باشد و سوء مدیریتی رخ نداده‌باشد بر اساس تعهدی که در سال بسته می‌شود مبلغ خسارت پرداخت می‌شود و هر سال عدد متفاوتی است. مثلاً اگر گزینه ٦ برابر با پرداخت ۱۲ میلیون تومان برای یک هکتار باشد، به‌طور کامل به کشاورز پرداخت می‌شود.

اما این‌طور نیست که اگر یک هکتار پتانسیل تولید ۱۵۰۰ کیلوگرم پسته داشته باشد و ارزش این مقدار پسته ۱۵۰ میلیون تومان باشد در صورت بروز خسارت قرار باشد مبلغی بیش از ۱۲ میلیون تومان به باغدار پرداخت شود. اگر بخواهیم بر اساس گزینه واقعی بیمه کنیم، خیلی کشاورزها با آن کنار نمی‌آیند و حق بیمه نمی‌دهند.

حتی در این شرایطی که باغداران دارند محصول به این گران قیمتی، کیلویی ۱۰۰ هزار تومان، می‌فروشند باز هم حاضر نیستند حق بیمه بیشتری بپردازند. شاید ٤ تا ٥ درصد از کشاورزها حاضر باشند یک گزینه حق بیمه واقعی را پرداخت کنند تا درصد واقعی خسارت را بگیرند.

اگر این کار فرهنگ‌سازی می‌شد خیلی خوب بود. مثلاً کشاورز ٥ میلیون تومان بر اساس گزینه واقعی، زمین‌هایش را بیمه می‌کرد. بعد در رابطه با خسارت مثلاً ۷۵ میلیون تومان دریافت می‌کرد. البته این ضریبش ۱ به ۱۵ است؛ یعنی در ۱۵ سال گذشته یک‌بار این اتفاق افتاده و یک فاجعه آمده که ۱۰۰ درصد خسارت زده‌است.

در حال حاضر، فکر می‌کنم هزینه جاری باغ پسته در هر هکتار ۱۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده‌است و بیمه می‌گوید ما هزینه تولید باغدار را می‌دهیم، نمی‌گویند ما هزینه پسته خسارت خورده را می‌دهیم. در بیمه کشاورزی فرهنگ‌سازی نشده و کشاورز اگر هر سال خسارت به او پرداخت نکنیم سال بعد نمی‌آید زمینش را بیمه کند. طبق روال سال‌های گذشته تا به امروز، در کل ایران هر سال محصول پسته خسارت دریافت کرده‌است. مثلاً یک ماشین در یک عمر ۳۰ ساله به فرسودگی می‌رسد، مالک ۳۰ سال بیمه می‌خرد. شاید مالک ٤ دستگاه ماشین هم داشته‌باشد و انگار ۱۲۰ سال دارد حق بیمه پرداخت می‌کند و شاید از هیچ‌یک از بیمه نامه‌هایش استفاده هم نکند. ولی کشاورزی که به بیمه مراجعه می‌کند و بیمه می‌خرد از الان برای خسارت دریافتی سال بعدش برنامه‌ریزی کرده‌است.

در رابطه با بیمه باغ‌های پسته کارهای زیادی انجام شده و کارشناس‌هایی کار کردند که اکثراً خبره هستند و قریب به ۷۰ درصد از آنها اکثراً خودشان کشاورز و کشاورززاده هستند و دردهای کشاورزی را می‌شناسند، ولی بعضی اوقات یکسری محدودیت‌هایی پیش می‌آید که کارشناس واقعاً نمی‌تواند آنچه را که حق واقعی کشاورز است را پرداخت کند. و یک مشکل اساسی که ما در بیمه داریم و جزو فرهنگ شده‌است این است که باغدار با بروز کوچک‌ترین عامل خسارت، درخواست خسارت می‌کند. من خودم باغدار پسته هستم و باغم را بیمه کرده‌ام، تا همین اندازه پولی که داده می‌شد یعنی کمکی که از سمت دولت می‌شد از دستم نرود.

ما کشاورزهای زیادی داشتیم که سال‌های اول آمدند و باغشان را بیمه کردند. کشاورز بزرگ داشتیم در حد ۲۰۰ هکتار، در سال آور آمد و بیمه کرد. آن‌زمان هکتاری ٦٥ هزار تومان بابت بیمه هر هکتار و در کل ۱۳ میلیون تومان پرداخت کرده بود. سال بعد ۲٦ میلیون تومان به او پرداخت شد؛ حدود سال‌های ٨٦، ٨٧، ٨٨ بود، ولی ایشان آمد و یک حساب دودو تا چهارتایی کرد و همان سال گفت در حال حاضر من نزدیک به ۷۰۰ میلیون تومان خسارت خورده‌ام و این شد که از خط بیمه بیرون رفت.

در بیمه کشاورزی اگر کمک دولت پشتش نباشد زیانده است. اگر دولت یک‌سال کمک را از پشت بیمه بردارد سال بعد عملاً بیمه کشاورزی ورشکسته خواهدشد.

